

سیمین بهبهانی

مجموعه اشعار



مؤسسه انتشارات نگاه

تاسیس: ۱۳۵۲

۲۲	۱/۱	۲۰	۱/۱
۲۳	۱/۱	۲۰	۱/۱
۲۴	۱/۱	۲۱	۱/۱
۲۵	۱/۱	۲۱	۱/۱

| فهرست |

۲۶	۱/۱	۲۱	۱/۱
۲۷	۱/۱	۲۱	۱/۱
۲۸	۱/۱	۲۱	۱/۱
۲۹	۱/۱	۲۱	۱/۱

جای پا ۱۳۲۵-۱۳۳۵

۷۲	۱/۱	۱۹	۱/۱
۷۴	۱/۱	۲۱	۱/۱
۷۷	۱/۱	۲۴	۱/۱
۸۰	۱/۱	۲۶	۱/۱
۸۲	۱/۱	۲۹	۱/۱
۸۷	۱/۱	۳۳	۱/۱
۹۰	۱/۱	۳۷	۱/۱
۹۲	۱/۱	۴۰	۱/۱
۹۶	۱/۱	۴۲	۱/۱
۹۷	۱/۱	۴۴	۱/۱
۹۹	۱/۱	۴۷	۱/۱
۱۰۱	۱/۱	۵۰	۱/۱
۱۰۳	۱/۱	۵۲	۱/۱
۱۰۶	۱/۱	۵۶	۱/۱
۱۰۹	۱/۱	۶۰	۱/۱
۱۱۱	۱/۱	۶۳	۱/۱
۱۱۳	۱/۱	۶۷	۱/۱
۱۱۵	۱/۱	۷۰	۱/۱
۱۱۸	۱/۱	۷۲	۱/۱

سه‌تار شکسته.....	۱۱۸
نغمه‌ی درد.....	۱۲۱
آتش دامنگیر.....	۱۲۳
سنگ صبور.....	۱۲۵
گریز.....	۱۲۷
سودای محال.....	۱۲۹
من و شب.....	۱۳۱
لبخند.....	۱۳۳
کایوس.....	۱۳۵
جای پا.....	۱۳۹
دفتر اندیشه.....	۱۴۱
نگاه تو.....	۱۴۴
اذان.....	۱۴۶
حریر ابر.....	۱۴۹

چلچراغ ۱۳۳۶-۱۳۳۵

۱- با خود بودن‌ها.....	۱۶۹
چلچراغ.....	۱۷۱
دل آزرده.....	۱۷۳
گفتی که.....	۱۷۵
غرور.....	۱۷۶
یار نداری.....	۱۷۸
مهتاب خزان.....	۱۷۹
ای آشنا.....	۱۸۱
دختر ترنج.....	۱۸۲
چه عالمی دارم.....	۱۸۵
نگاه دار.....	۱۸۶
اخگر.....	۱۸۷
نیلوفر آبی.....	۱۸۸
دریا.....	۱۹۰
هنوز.....	۱۹۲
هرچند رفته‌ای.....	۱۹۳
گله.....	۱۹۴
آتش نهفته.....	۱۹۶
افسون.....	۱۹۹
رهگذر نغمه‌ساز.....	۲۰۰
حسود.....	۲۰۲
شراب.....	۲۰۳
خطا کن!.....	۲۰۵
نگاه بی‌گناه.....	۲۰۶

غبار ماه.....	۲۰۸
نوازش‌های چشمانِ کبودش.....	۲۰۹
خورشید در آب افتاده.....	۲۱۱
مشعل.....	۲۱۳
موج.....	۲۱۴
یار گسسته.....	۲۱۵
شور نگاه.....	۲۱۸
سبزه‌ی گمشده.....	۲۱۹
چشم شوم.....	۲۲۰
ای خوش آن روز.....	۲۲۳
شعله.....	۲۲۵
تکاپو.....	۲۲۶
گل یخ.....	۲۲۹
سایه‌ی دیوار.....	۲۳۰
عود.....	۲۳۲
نسیم.....	۲۳۳
گل خشک.....	۲۳۵
دیوانه‌پسند.....	۲۳۷
چرا؟.....	۲۳۸
غنچه‌ی راز.....	۲۴۰
آتش تمنّا.....	۲۴۱

مرمَر ۱۳۳۶-۱۳۳۱

سفره‌ی رنگین.....	۲۴۲
زنجیر.....	۲۴۳
درخت تشنه.....	۲۴۵
گل زهر.....	۲۴۶
تاریکی شب.....	۲۴۸
بهبانه.....	۲۴۹
بی‌شکيب.....	۲۵۰
۲- من و دیگران.....	۲۵۳
هَو.....	۲۵۵
شب و نان.....	۲۵۹
پیک بهار.....	۲۶۱
درد نیاز.....	۲۶۴
فریاد می‌پرست.....	۲۶۷
مرگ ناخدا.....	۲۷۰
صبر کن ماه دگر.....	۲۷۳
فریاد!.....	۲۷۵
با دردم بساز.....	۲۷۷
جواب.....	۲۸۰
در آفتابِ پُشتِ پَرچین.....	۲۸۲
ترانه‌ها.....	۲۸۴
۱- بوده‌ها.....	۲۸۹
افسانه‌ی پری.....	۲۹۱
نامه‌ی شکوفه.....	۲۹۲
شراب نور.....	۲۹۴
خورشید و شب.....	۲۹۵
یک دامن گل.....	۲۹۶
پیچک.....	۲۹۸
دیوانگی.....	۳۰۰
شب.....	۳۰۲
گل رؤیا.....	۳۰۳

تا بمانیم.....	۴۰۲	نامه.....	۳۸۰
دوست، دوست، دلتنگم.....	۴۰۵	نیمه شب.....	۳۸۳
گفتند یا با خموشی.....	۴۰۶	ای مرد.....	۳۸۶
بر من گذشتی.....	۴۰۸	۲-افزوده‌ها ۱۳۶۲-۱۳۶۵.....	۳۸۷
دگر چه با تو گویم.....	۴۰۹	اشاره.....	۳۸۹
در تنکنای پيله.....	۴۱۱	دیگر نه جوانم.....	۳۹۱
دلم دریغ.....	۴۱۲	تشنگان را نوش یارد.....	۳۹۳
چه گرم دوست می‌دارم.....	۴۱۵	پنجره‌ها بسته‌اند.....	۳۹۵
گر دوست دست گیرد.....	۴۱۷	تو آفتاب منی.....	۳۹۷
میان هر رگم از عشق.....	۴۱۹	ای قهرمان.....	۳۹۹
به جرم دلشدگی.....	۴۲۱	خسته مشو.....	۴۰۱
عشق دوباره می‌رسد.....	۴۲۳		

رستاخیز ۱۳۴۱-۱۳۵۲

خون مسموم شقایق.....	۴۴۵	غزل‌ها.....	۴۲۷
شکوه نور در آویزه‌ی بلور.....	۴۴۶	سایه‌ی دالان سمن‌ها.....	۴۲۹
آهوی دست‌هایت.....	۴۴۸	چشم لعلی‌رنگ خرگوشان.....	۴۳۰
تصویری از «ما».....	۴۴۹	رگبار بوسه.....	۴۳۲
شاخه‌های آهکی.....	۴۵۰	شهربند سکوت.....	۴۳۳
گفت‌وگو.....	۴۵۲	قصه‌ی نیلوفر.....	۴۳۴
غرور آینه‌ی چشم من.....	۴۵۳	رسالت.....	۴۳۶
تاول اندیشه.....	۴۵۴	آخرین برگ.....	۴۳۷
فراموشت نمی‌کردم.....	۴۵۵	دنیای کوچک من.....	۴۳۸
زبان اندیشه‌ها.....	۴۵۶	دل همچو آفتاب.....	۴۳۹
تک‌شاخه‌ها.....	۴۵۸	دیوار کوتاه.....	۴۴۰
بن‌بست.....	۴۵۹	آسمان خالی‌ست.....	۴۴۱
پایان انتظار.....	۴۶۰	مخمل خاکستر.....	۴۴۲
مرگ پیش از مرگ.....	۴۶۱	افیون وعده‌های تهی.....	۴۴۳

دام فریب.....	۳۳۸	برگریزان.....	۳۰۵
معبد متروک.....	۳۳۹	نشان پا.....	۳۰۷
بی‌خبری.....	۳۴۰	موج خیز.....	۳۰۹
شبگرد.....	۳۴۱	گل انتظار.....	۳۱۰
من و تو.....	۳۴۲	از یاد رفته.....	۳۱۱
دو رنگی.....	۳۴۳	اجاق مرمر.....	۳۱۲
عطر پراکنده.....	۳۴۴	گر بوسه می‌خواهی.....	۳۱۳
ساق فریب‌زن.....	۳۴۵	شهاب طلایی.....	۳۱۴
آشفته‌گی.....	۳۴۶	شکوفه‌ی سحر.....	۳۱۵
صدف.....	۳۴۷	یادگار.....	۳۱۷
خاکستر خیال.....	۳۴۸	گل کوه.....	۳۱۸
دیشب.....	۳۴۹	آتش دور.....	۳۱۹
آشتی.....	۳۵۰	این که با خود می‌کشم.....	۳۲۰
بهار بی‌گل.....	۳۵۱	برف گران.....	۳۲۱
توفان.....	۳۵۲	گل قاصد.....	۳۲۲
نازک‌تن.....	۳۵۳	باغ مهتاب.....	۳۲۴
خون سبز.....	۳۵۴	صد چمن لاله.....	۳۲۵
فریاد.....	۳۵۵	پونه‌ی وحشی.....	۳۲۶
جامه‌ی عید.....	۳۵۶	ساقه‌ی دمیده.....	۳۲۷
نیاز.....	۳۵۹	دیبای کبود.....	۳۲۸
در آشیان.....	۳۶۲	سپیدار.....	۳۳۰
گره کور.....	۳۶۴	یک سحر.....	۳۳۱
عروسک مومی.....	۳۶۶	ننگ آشنا.....	۳۳۲
گل صحرایی.....	۳۶۸	افسون شیطان.....	۳۳۳
اندوه.....	۳۷۱	وفادار.....	۳۳۴
برای چشم‌هایت.....	۳۷۳	پولاد آبدیده.....	۳۳۵
چوب دار.....	۳۷۵	سجاف زرین.....	۳۳۶
رقص شیطان.....	۳۷۷	یاد.....	۳۳۷

۴۶۲	شاید که مسیحا است.....
۴۶۳	خوابدانه.....
۴۶۴	عطر نرگس‌های چشمم.....
۴۶۶	قندیل سرخ سیب‌ها.....
۴۶۷	فریاد و کوه.....
۴۶۸	غبار سرب.....
۴۷۰	عیاق سربیی.....
۴۷۲	حصار بلورین.....
۴۷۳	در کارگاه.....
۴۷۵	روح زمهریری.....

خطی ز سرعت و از آتش ۱۳۵۲-۱۳۶۰

۵۰۳	تا جمعه‌ی سیاه.....
۵۰۵	درباره‌ی اوزان غزل‌های خطی.....
۵۰۹	مخوان.....
۵۱۱	خارهای زشت.....
۵۱۲	جامی گناه خواهم.....
۵۱۵	نیزارها.....
۵۱۷	ای جهانی سوگوار.....
۵۱۹	با چنین قانون سربیی.....
۵۲۱	در خانه نشستم.....
۵۲۳	مخمل مژگان مشکین.....
۵۲۴	ای بسته تو در تو!.....
۵۲۶	شبیی هم‌رهت گذر.....
۵۲۸	ای عشق!.....
۵۳۰	مسخ آن چنان شدید.....
۵۳۲	ای پرده برگرفته ز رخ.....
۵۳۴	شبیی به امن حریم تو.....
۴۷۷	پستان خشک شب.....
۴۷۸	از بوته‌ی خوشبوی گلپر.....
۴۸۱	دویبته‌ها.....
۴۸۳	فعل مجهول.....
۴۸۷	درس تاریخ.....
۴۹۱	مرگ قهرمان.....
۴۹۴	مردگان خاموشند.....
۴۹۶	بی سرنوشت.....
۵۳۶	چون سایه‌ی زلف سیاه.....
۵۳۸	سزوی سبز شکیب آموز.....
۵۴۰	آه این چه پیوند است؟.....
۵۴۲	دائم ای دل!.....
۵۴۴	درخت ارغوان.....
۵۴۶	دوست می‌دارم.....
۵۴۸	من روح می‌فروشم.....
۵۵۰	هنوز موی بسته را.....
۵۵۲	ز شب خستگان یاد کن!.....
۵۵۴	سر در نشیب حسیضم.....
۵۵۶	صورتگر چیره‌دست.....
۵۵۸	در کبود بی‌انتها.....
۵۵۹	باز بهار است.....
۵۶۱	بس که در این دیر کهنه.....
۵۶۳	دانه دانه، سرخی و سبزی.....
۵۶۵	شعله نگفته با تو اگر.....

۵۶۷	در لجه‌ی سرگردانی.....
۵۶۹	در من نشسته به نرمی.....
۵۷۱	باد، فتح غروب را.....
۵۷۳	شکیب از که طلب داری؟.....
۵۷۵	در دیده تصویر کن.....
۵۷۷	آوای شما.....
۵۷۹	خواهد از من رسوا.....
۵۸۱	از جمعه‌ی سیاه.....
۵۸۳	چه سکوت سرد سیاهی!.....
۵۸۵	بر سفره‌ی چرمین، امشب.....
۵۸۷	پرواز توانی آیا؟.....
۵۸۹	در خواب هول رفتم.....
۵۹۱	سازش مپسندید.....
۵۹۳	او قلب تاریخ است.....
۵۹۵	نمی‌توانم ببینم.....
۵۹۷	آسمان سرخ است.....
۵۹۹	تردید، تردید، تردید.....
۶۰۱	کویر بی‌برگی را.....
۶۰۳	زمان، زمان خواب است.....
۶۰۵	ای کودک امروزین!.....
۶۰۷	مرگت زوال شتاب است.....
۶۰۹	خشک، خشک، بی‌جان خشک.....
۶۱۱	می‌روی، شاد باد پروازت.....
۶۱۳	ما نمی‌خواستیم، اما هست.....
۶۱۸	بنویس! بنویس! بنویس!.....
۶۲۰	غبار خشک خون بر نخل.....
۶۲۱	بروید تا بمانم.....
۶۲۳	عشق، آمد چنین سرخ.....
۶۲۵	تیک... تاک! تیک... تاک!.....
۶۲۷	بر صفحه‌ی ژرفای کبود.....
۶۲۹	سیاه پر خشم کوفی.....
۶۳۱	خطی ز سرعت و از آتش.....
۶۳۲	نگاره‌ی گلگون.....

دشت ارژن ۱۳۶۰-۱۳۶۲

۶۳۷	گولی! نهان کن دلت را.....
۶۳۹	گولی‌واره (۱).....
۶۴۱	گولی‌واره (۲).....
۶۴۳	گولی‌واره (۳).....
۶۴۵	گولی‌واره (۴).....
۶۴۷	گولی‌واره (۵).....
۶۴۹	گولی‌واره (۶).....
۶۵۱	گولی‌واره (۷).....
۶۵۳	گولی‌واره (۸).....
۶۵۵	گولی‌واره (۹).....
۶۵۷	گولی‌واره (۱۰).....
۶۵۸	گولی‌واره (۱۱).....
۶۶۰	گولی‌واره (۱۲).....
۶۶۲	گولی‌واره (۱۳).....
۶۶۴	گولی‌واره (۱۴).....
۶۶۶	گولی‌واره (۱۵).....
۶۶۸	گولی‌واره (۱۶).....

یک دریچه آزادی ۱۳۶۲-۱۳۷۴

۸۲۵..... عید پول زرد و عروسک	۷۷۱..... هفتاد رنگ درون
۸۲۷... نیستی تا ز در خانه‌ی یاران...	۷۷۲..... پلنگ به هم نهم
۸۲۹..... شاد خوانی	۷۷۵..... پرواز نبش بود به اوج
۸۳۱..... بچرخ، چرخ، همبازی	۷۷۷..... آیا بهار جاویدم؟
۸۳۳..... بخوان	۷۷۸..... آیا کدامین آبی
۸۳۵..... یک دریچه آزادی	۷۸۰..... درخت نارنج شیراز
۸۳۷..... من دیر دیر سالم	۷۸۲..... میوه‌های خارپشتی
۸۳۹..... آیا تمام شد بازی	۷۸۴..... چگونه دست دهد آیا؟
۸۴۱..... آن دو خاتون که دیدی	۷۸۶..... شب، لاجورد و خامشی
۸۴۳..... بس که روشنم	۷۸۸..... در ناگزیر خاموشم
۸۴۵..... چهره سپردم به تیغ	۷۹۰..... سخت به جوشی، دلا!
۸۴۷..... آه! عشق ورزیدم	۷۹۲..... این شاخه‌های خشک زمستانی
۸۴۹..... خوشه به خوشه عشق شد	۷۹۴..... خط به آخر آمده است
۸۵۱..... سلام - والسلام	۷۹۶..... در کاسه‌ی سرم، مغزی
۸۵۳..... ای همچو تندیس رومی	۷۹۸..... من با صدای تو می‌خوانم
۸۵۵..... هزار پروانه‌ی طلا	۸۰۰..... به جا نهاده ز پی
۸۵۷..... چرا، چرا نورزم عشق	۸۰۲..... می‌رقصد از نشاط بهاری
۸۵۸..... نگاه دار	۸۰۴..... دوردیف برگ اقاقی
۸۵۹..... «او» من	۸۰۶..... ز شاخه باز بیالم
۸۶۱..... بود آن چه بود	۸۰۸..... صدای پای که می‌آید
۸۶۳..... زمین کروی شکل است	۸۰۹..... رنگدان‌ها بیارید
۸۶۵..... داغ جگرگوشه با تو	۸۱۱..... دلم دارد سر بازی
۸۶۶..... عروس مینایی	۸۱۳..... برای خدا کمک کن
۸۶۸..... مردی که یک پا ندارد	۸۱۵..... شکسته در من چیزی
۸۷۰..... گردن آویز	۸۱۷..... هر چه کردم نتوانستم
۸۷۱..... این آخرین پنجشنبه‌ست	۸۱۸..... می‌آمدی و سینه برافروخته بودی
۸۷۳..... ترانه‌ی زنگ دبستان	۸۱۹..... ای شاه سواران
	۸۲۳..... خورشید زلف نارنجی

۶۷۱..... و پنج ترانه	۶۷۹..... با عشق، با عشق، با عشق
۶۷۳..... یک	۶۸۱..... همیشه در خیال من
۶۷۴..... دو	۶۸۳..... حضور ژرفی مرمز
۶۷۵..... سه	۶۸۴..... عید آمد و می‌رود
۶۷۶..... چهار	۶۸۶..... باز بهار آمد
۶۷۷..... پنج	۶۸۸..... دلم گرفته، ای دوست!
	۶۸۹..... آه چگونه بگویم
	۶۹۱..... بهار شاد شورانگن
	۶۹۳..... غنچه‌وش، در هوایت
	۶۹۴..... چه بی‌امان
	۶۹۶..... روییده‌ام
	۶۹۸..... کو برگ لاله‌ام؟
	۷۰۰..... کدام فتنه جادو کرد؟
	۷۰۲..... این صدای شکفتن را
	۷۰۴..... رها مکن، که پر زدن را
	۷۰۵..... پرفشان گل، صغیر باد
	۷۰۷..... این کجا سپیده‌ست!
	۷۰۹..... تن کشیده زیر بال شب
	۷۱۱..... دوباره می‌سازمت، وطن!
	۷۱۳..... حمید آزاد شد
	۷۱۵..... باید چیزی نوشت
۷۱۷..... دوباره باید ساخت	۷۲۹..... من: گنگ خوابدیده
۷۱۹..... کدام ابر زهر آگین...؟	۷۳۱..... دوازده خوشه با من
۷۲۱..... بار، بردوش آنه‌است	۷۳۳..... به دشت‌های برفی
۷۲۳..... هی‌ها... هی‌ها... ره بکشنا!	۷۳۵..... من آن روز می‌گفتم
۷۲۵..... پای در چشمه، بر خسته‌سنگی	۷۳۷..... به لطف می‌آمد از دور
۷۲۷..... سارا! چه شادمان بودی	۷۳۹..... اسب می‌نالد، می‌ارزید
	۷۴۱..... گفتمی که انگور است
	۷۴۳..... خفاش یا مرغ دیگر
	۷۴۵..... خوشه بود، خوشه‌ی طلا
	۷۴۶..... خاکی که بخش او کردند
	۷۴۸..... وقت درو کردن گل شد
	۷۵۰..... آبی‌ست این جگر، آبی
	۷۵۲..... بزن!
	۷۵۴..... ذهن، دود حلقه حلقه
	۷۵۶..... ببین چگونه می‌پوسد
	۷۵۹..... طبل بی‌مرگی
	۷۶۱..... فارغ ز «من» چگونه شوم؟
	۷۶۳..... برآمده از آبنوس و شب
	۷۶۵..... کجاست آن که به آگاهی
	۷۶۷..... ببین به هیئت نیلوفر

یکی مثلاً این که... ۱۳۷۴-۱۳۷۷

عزیزتر ز جان، احمد!..... ۱۰۳۸	گام کرده هر چه مُرواری ۹۸۱
نفسی بیرون نمی آید..... ۱۰۴۰	ای شهر!..... ۹۸۳
باید تو را دیده باشم..... ۱۰۴۲	بیرون ز خطی، ای «من»!..... ۹۸۵
آیا قبولشان داری؟..... ۱۰۴۴	وقتی که تهمت می گذارند..... ۹۸۷
در انتظار تناسخ..... ۱۰۴۶	رنجیدنت از چه بود؟..... ۹۸۹
خاله گردن دراز من!..... ۱۰۴۸	بندرم، ساعت..... ۹۹۱
نان و پنیر و صداقت..... ۱۰۵۲	تندیس بُر دروغ من!..... ۹۹۳
صبحی بگو بدرخشد..... ۱۰۵۵	با تو بودن..... ۹۹۵
با گلوگاه سرخ بخوان..... ۱۰۵۷	بیرون می خزد ز پوست..... ۹۹۷
۱/۷۰..... ۱۰۵۹	نوشیدنی، گرم یا سرد؟..... ۹۹۹
با شصت خوشه‌ی زَربین..... ۱۰۶۱	دام با تو می آید..... ۱۰۰۳
با نخل‌های سترون..... ۱۰۶۳	بهدت عروسک‌فروشی..... ۱۰۰۵
من کاملاً باز چون گُل..... ۱۰۶۵	از خُمره تا جهان..... ۱۰۰۷
نیمی از راه مانده‌ست..... ۱۰۶۷	قلم به کف عطارد من!..... ۱۰۰۹
فضا چنان حقیقی بود..... ۱۰۶۹	شب، در سحر حل می‌شد..... ۱۰۱۱
عشق حسرتی‌ست کنون..... ۱۰۷۱	زهی دهان گشودگان..... ۱۰۱۳
یکی مثلاً این که..... ۱۰۷۳	صدای کیست؟..... ۱۰۱۵
بشمار برگ‌های گلی را..... ۱۰۷۵	در زیر چادری از ابر..... ۱۰۱۷
چراغ... کتاب..... ۱۰۷۷	ببخش دیو خویان را..... ۱۰۱۸
آشفته‌گی هیولایی‌ست..... ۱۰۷۹	در حجمی از بی‌انتظاری..... ۱۰۲۰
طاق یا جفت...؟..... ۱۰۸۱	عروسی‌ی فیکارو..... ۱۰۲۲
ستابه‌ام با کلیدی..... ۱۰۸۳	ای غزال جوان سال..... ۱۰۲۴
خُب، که این‌طور..... ۱۰۸۵	گر زبانه‌م بر آری..... ۱۰۲۶
بانو..... ۱۰۸۷	باچی..... ۱۰۲۸
مجسمه‌یی در سواره‌رو..... ۱۰۸۹	در دنگه‌ی کتاب‌فروشی..... ۱۰۳۰
سلام، ای روشنائی!..... ۱۰۹۱	گل‌ها را بگذار این‌جا..... ۱۰۳۲
در واپسین هنگام..... ۱۰۹۳	نظمتی، سحر شده، برخیز!..... ۱۰۳۴
چه پای سختی فشرده‌ام!..... ۱۰۹۵	نسیم باش..... ۱۰۳۶

زهره سازی خوش نمی‌سازد..... ۹۲۹	با تخته‌پاره و تنهایی..... ۸۷۵
ایلخان ستاره‌ها را..... ۹۳۱	Caduceus..... ۸۷۷
زهره دختری زاد..... ۹۳۳	من زاده‌ام اینان را..... ۸۷۹
به تکا... به تکاپو..... ۹۳۵	به شب که هر مرغ و ماهی..... ۸۸۲
راوی صلا‌ی حرمت زد..... ۹۳۷	تندیس آهویت مبارک..... ۸۸۴
به رجز ندا ز خان آمد..... ۹۳۹	میان جالیزی دوم..... ۸۸۶
ایلخان! تحفه آوردند..... ۹۴۱	کودک روانه از پی بود..... ۸۸۸
بال و خیال..... ۹۴۳	His Master's Vio..... ۸۹۰
من چرم زمین شکافته‌ام..... ۹۴۵	مباد اوفتاده بمیرم..... ۸۹۳
وقتی که پنجه‌ی تاریکی..... ۹۴۷	حدیث گاو حسن..... ۸۹۵
مُرس..... ۹۴۹	شانه‌ی فیروزه..... ۸۹۷
خناق..... ۹۵۱	مار اگر مار خانگی‌ست..... ۸۹۹
از عدم آمد که پر کند..... ۹۵۲	کاج..... ۹۰۰
باور نمی‌کنید..... ۹۵۴	پاییز خسته‌ی غمگین..... ۹۰۲
نیلوفری چو حلقه‌ی دود..... ۹۵۶	به برگ آنچه رقم کردم..... ۹۰۵
ای کوه..... ۹۵۸	بیار نامه که بنویسم..... ۹۰۷
آینه‌ها را تیره کن..... ۹۶۰	عزیز دور غمگین..... ۹۰۹
سنگواره..... ۹۶۲	صبح است و آسمان ابری..... ۹۱۱
اشارتی و گذاری..... ۹۶۵	همیشه سبز بمان ای سرو..... ۹۱۳
تب تب تب طبلی می‌کوفت..... ۹۶۷	سلامی ز عقده‌ی عشقی..... ۹۱۵
و نگاه کن..... ۹۶۹	عطر قهوه با خیالت..... ۹۱۷
دوازده چشمه‌ی خون..... ۹۷۱	می‌نویسم و خط می‌زنم..... ۹۱۹
چه برف شیشه ماندنی..... ۹۷۳	حالی‌ست حالم نگفتنی..... ۹۲۱
قسم به انجیر و زیتون..... ۹۷۵	زنی که با قرص خورشید..... ۹۲۳
گفت پروردگار است این..... ۹۷۷	میان مه نهان می‌شد..... ۹۲۵
..... ۹۷۸	بگذار اعتراف کنم..... ۹۲۷
..... ۹۷۹ ۹۲۸

جای پا

۱۳۳۵ - ۱۳۳۵

۱۱۰۴.....	بهار! باز هم سبزی؟	۱۰۹۷.....	سارا و من.
۱۱۰۶.....	در سیاهی شبِ نومیدان.	۱۱۰۰.....	سیاه ... سفید
۱۱۰۸.....	به عرش، دست و انگشتر	۱۱۰۲.....	نشاط صف آرای
تازه‌ها ۱۳۷۷			
۱۱۱۳.....	جامه‌دران	۱۱۱۳.....	ای عشق، دیر آمده‌ای
۱۱۳۲.....	وقتی زمانه جوان است	۱۱۱۴.....	سبزو و بنفش و نارنجی
۱۱۳۴.....	آنان که خاک را...	۱۱۱۶.....	که چی؟
۱۱۳۶.....	گو آفتاب برآید	۱۱۱۸.....	از عشق و سوسه می‌سازی
۱۱۳۸.....	صدای تو	۱۱۲۰.....	گفت و گو
۱۱۴۰.....	با قهر چه می‌کشی مرا	۱۱۲۲.....	به کاسه‌ی این خالی
۱۱۴۲.....	با کوله‌ی هفتاد و هشتاد	۱۱۲۴.....	فرمان پذیر آتش باش
۱۱۴۴.....	لعنت	۱۱۲۶.....	ارهاب
۱۱۴۵.....	در طول راه	۱۱۲۸.....	برای انسان این قرن
۱۱۴۷.....	نمایه		
۱۱۷۵.....	افاعیل اوزان تازه		
۱۱۸۹.....	گاه‌شمار		
۵۷۰۱.....	عزیز نور عشق	۶۷۰۱.....	همیشه سبز بمان ای سگور
۷۰۰۱.....	صبح است و آسمان آبی	۷۸۰۱.....	سلامی ز عشق عشقی
۶۷۰۱.....	همیشه سبز بمان ای سگور	۷۸۰۱.....	عطر قهوه با خیانت
۸۱۰۱.....	دل ز لیر عشق در شب	۵۸۰۱.....	می نویسم و خط می‌زنم
۸۱۰۱.....	دل ز لیر عشق در شب	۷۸۰۱.....	حالیست حاتم تکلفی
۸۱۰۱.....	دل ز لیر عشق در شب	۶۸۰۱.....	در شب با غم می‌نویسم
۸۱۰۱.....	دل ز لیر عشق در شب	۷۸۰۱.....	میان من و تو
۸۱۰۱.....	دل ز لیر عشق در شب	۶۷۰۱.....	بهار اعتراض کن
۸۱۰۱.....	دل ز لیر عشق در شب	۹۷۰۱.....	آهاده بشه رقص روی من

آه این کیست بوی خوشی که در دل جان آید
همسر امشب و خلقی که در دل جان آید
وای، ای غم، ز هم که دستت زخمی زده
کاین زمان شادی ای او منی بایستی

نغمه‌ی روسبی

لب من - ای لب لبرنگ فرسوس -
باز لب لبرنگی که در دل جان آید
بر غم پرده‌یی از آن بکش!
منطقه آنه آنه ای بوی خوشی
تا مرا چند درم پیش دهی
آن به لب لبرنگی که در دل جان آید
بده آن قوطی سرخاب مرا بکش!

تا زخم رنگ به بی‌رنگی خویش
بده آن روغن، تا تازه کنم
چهر پژمرده ز دلتنگی خویش
شادمان آن تشییع آن

بده آن عطر که مشکین سازم
گیسوان را و بریزم بر دوش
بده آن جامه‌ی تنگ که گسبان
تنگ گیرند مرا در آغوش
تسبیح زلف لعل زلف لعل
تسبیح زلف لعل زلف لعل

بده آن تور که عریانی را
در حَمَش جلوه دوچندان بخشم!
هوس انگیزی و آشوبگری
به سر و سینه و پستان بخشم.

بده آن جام که سرمست شوم،
به سیه بختی خود خنده زخم:
روی این چهره‌ی ناشاد غمین
چهره‌ی ناشاد و فریبنده زخم

وای از آن همنفس دیشب من -
چه روانگاه و توانفرسا بود!
لیک پرسید چو از من، گفتم:
کس ندیدم که چنین زیبا بود!

ایه بالضرع رحمة ن آه
وان دگر همسر چندین شب پیش
او همان بود که بیمارم کرد:
آنچه پرداخت، اگر صد می شد،
درد، زان بیشتر آزارم کرد.

پُر کس بی کسم و زین یاران
غمگساری و هواخواهی نیست،
لاف دلجویی بسیار زنند
لیک جز لحظه‌ی کوتاهی نیست.

نه مرا همسر و هم‌بالینی
که کشد دست و فابر سر من
نه مرا کودکی و دلبندی
که برد زنگ غم از خاطر من.

کو آه، این کیست که در می‌گوید؟
ک - همسر امشب من می‌آید!
مقوای، ای غم، ز دلم دست بکش
شکاین زمان شادی‌ی او می‌باید!

ای لب من - ای لب نیرنگ فروش -
که بر غمم پرده‌یی از راز بکش!
لیک تا مرا چند درم بیش دهند،

که خنده کن، بوسه بزنی، ناز بکشی!
مطرب دور مگردان، هفتین ایضه ن آه
نغمه‌یی خوش به بیان جان لیلان زنده است
می‌نوم سوی سنان کهنه‌ی خویش

که همان نغمه را به لعل و اشک است
هلیسه‌ی بهیچ تن سینه‌ی بقا
منا تیب و مچن زین سبک
هکله تنه‌ی بی شیریض است

ه ریض غمیشه اما لب سینه
رضال لب نال غمیشه ان رس
ناله رض متضا لب نال رحمیشه
رض لتسا زینت لب نال ریاضه

نکته ۵۵

نکته ۵۵